

بررسی رده‌شناختی جمله‌های اسنادی و مکانی / وجودی در فارسی امروز

پونه مصطفوی (پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری)

چکیده: در زبان‌های دنیا چگونگی رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی / وجودی مشابه نیست و زبان‌ها از راهکارهای متفاوتی برای این کار استفاده می‌کنند. استیسن (STASSEN 2009) با مطالعات رده‌شناختی خود بر روی زبان‌های دنیا دو راهکار مشترک و گسسته را برای آنها یافت و به این ترتیب دو رده‌ی زبانی مشترک و گسسته را برای رمزگذاری این‌گونه جمله‌ها تعیین کرد. به نظر وی این رده‌های زبانی خود انوعی دارند. در راهکار مشترک فعل مشابه و در راهکار گسسته، فعلی متفاوت برای رمزگذاری جمله‌های فوق به کار گرفته می‌شود. در پژوهش حاضر، با استفاده از داده‌های طبیعی زبان فارسی، دو راهکار مذکور در زبان فارسی امروز را آزموده‌ایم تا با استفاده از نتایج و اطلاعات حاصل از آن، رده‌ی زبانی فارسی امروز را تعیین کنیم. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در زبان فارسی برای رمزگذاری جمله‌های اسنادی از صورت‌های مختلف فعل ربطی «است» و «بود» و «هست»، و همچنین از صورت واژه‌بستی فعل ربطی استفاده می‌شود. در جمله‌های مکانی نیز فعل ربطی «است» و «بود» و صورت واژه‌بستی این فعل مشاهده می‌شود. بنابراین، تا این مرحله، زبان فارسی امروز در رده‌ی زبانی مشترک قرار می‌گیرد؛ زیرا در هر دو ساخت فعل مشابه و مشترک به کار گرفته شده است، اما در جمله‌های وجودی که خود زیرگروه جمله‌های مکانی هستند، علاوه بر فعل

ربطی، فعل مرکب «وجود داشتن» و گزاره «موجود است» نیز به کار می‌رود. از این رو می‌توان گفت که در زبان فارسی، علاوه بر راهکار مشترک، راهکار گسسته نیز وجود دارد؛ زیرا فعل دیگری را نیز علاوه بر فعل ربطی در این گونه جمله‌ها می‌توان یافت. بنابراین می‌توان گفت که زبان فارسی از هر دو راهکار بهره می‌برد و می‌تواند در هر دو رده قرار گیرد. استیسن نیز در مطالعات خود پیش‌بینی کرده که ممکن است در برخی زبان‌ها هر دو راهکار استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: جمله اسنادی، جمله وجودی/ مکانی، فعل ربطی، راهکار مشترک، راهکار گسسته.

۱. مقدمه

جمله‌های اسنادی به جملاتی گفته می‌شود که دارای فعل ربطی هستند و فعل ربطی در آنها گروه اسمی فاعلی را به گروه‌های اسمی، صفتی، قیدی و حرف اضافه‌ای ربط می‌دهد. گروهی از این جمله‌ها که در آنها گروه حرف اضافه‌ای به عنوان متمم به کار گرفته می‌شود و هسته گروه حرف اضافه‌ای، یک حرف اضافه مکانی است، جمله‌های مکانی اند. جمله‌های دیگری که در آنها فعل ربطی وجود دارد، جمله‌های وجودی هستند. این گونه جمله‌ها مفهوم «وجود داشتن» را رمزگذاری می‌کنند و زیرگروه جمله‌های مکانی به حساب می‌آیند. بر اساس مطالعات رده‌شناختی در مورد رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی/ وجودی که توسط لئون استیسن (Stassen 1997, 2005, 2009) صورت گرفته است، رمزگذاری این گونه جملات در همه زبان‌های دنیا به صورت مشابه نیست و دو راهکار مشترک^۱ و گسسته^۲ برای آن وجود دارد. هر یک از دو راهکار نیز خود دارای انواعی هستند. به این ترتیب دو رده زبانی حاصل می‌شود.

با توجه به چارچوب پژوهش حاضر که رده‌شناختی - نقشی است و همچنین لزوم پیکره‌بنیاد بودن آن، در این پژوهش به پیکره زبانی‌ای مشتمل بر دو یست جمله، از جمله‌های طبیعی زبان فارسی استناد کرده‌ایم. هدف از این پژوهش این است که با استفاده از داده‌های

1. share

2. split

زبان فارسی — که از پایگاه داده‌های زبان فارسی^۱ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گرفته شده‌اند — چگونگی رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی/وجودی را در زبان فارسی امروز بیازماییم و با استفاده از این اطلاعات رده‌زبانی این زبان را تعیین کنیم.

۲. پیشینه

در این بخش به مطالعات دستورنویسان و زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی در مورد فعل ربطی، بندهای اسنادی و بندهای مکانی/وجودی می‌پردازیم. برای سهولت مطالعه، محققان به دو گروه ایرانی و غیرایرانی تقسیم شده‌اند. لازم است یادآوری شود که برخی از دستورنویسان نیز مشخصاً به موضوع جمله‌های اسنادی و مکانی/وجودی و افعال ربطی پرداخته‌اند، حاکمی (۱۳۳۹)، شفائی (۱۳۶۳)، باطنی (۱۳۷۲) و راسخ‌مهند (۱۳۸۸) از جمله این نویسندگان‌اند. لمبتون (Lambton 1984[1953]) نیز در کتاب دستور زبان فارسی خود به این موضوع پرداخته است. همچنین هادلستون و پولوم (Huddleston & Pullum 2002)، در بررسی دستور زبان انگلیسی، به جای پرداختن به جمله‌های اسنادی و مکانی/وجودی تنها به بررسی انواع فعل be به‌عنوان فعل ربطی در زبان انگلیسی، با ارائه چند مثال، بدون توضیحی در باب آنها بسنده کرده‌اند.

۲-۱ محققان ایرانی ۲-۱-۱ دستورنویسان سنتی

دستورنویسان سنتی، جمله‌های فارسی را به دو گونه اسمیه (یا اسمی یا عام) و فعلیه (تام) تقسیم می‌کنند. جمله اسمیه جمله‌ای است که شامل سه رکن مسندآلیه و مسند و فعل اسنادی است و خصوصیت یا حالتی را به نهاد یا مسندآلیه نسبت می‌دهد و در جایگاه فعل قرار می‌گیرد. در این گونه جمله‌ها مسند و مسندآلیه با فعل ربطی (یا فعل اسنادی) به هم

۱. پایگاه داده‌های مذکور به سرپرستی دکتر مصطفی عاصی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پایه‌گذاری و ایجاد شده است. این پایگاه داده‌ها از طریق وبگاه پژوهشگاه مذکور در دسترس است.

ربط داده می‌شوند. مسند اسم یا صفتی است که به مسندالیه نسبت داده شود. فعل «است»، گذشته آن یعنی «بود» و «شد»، در صورتی که بر کار و عمل خاصی دلالت نداشته باشند، نمونه‌های فعل ربطی هستند. فعل «بود» از افعال ناقص زبان فارسی است و یکی از کاربردهایش فعل ربطی است. «هست» به معنای «وجود داشتن» نیز در فارسی از افعال ربطی است. گاهی فعل‌های «است» و «بود» به صورت واژه‌بست هم در فارسی مشاهده می‌شوند که در نوشتار همواره به مسند می‌چسبند. برخی به جای استفاده از اصطلاح واژه‌بست اصطلاح مخفف را به کار می‌گیرند (مشکور ۱۳۵۵: ۱۰۸-۲۴۸؛ روایی ۱۳۷۰: ۷۴ و ۱۰۳-۱۰۴؛ نوبهار ۱۳۷۲: ۲۸-۳۰؛ قریب و همکاران ۱۳۸۵ [۱۳۲۸]: ۲۶۱-۲۶۷؛ صادقی و ارژنگ ۱۳۵۸: ۷۵-۷۷). فعل ربطی فقط ربط‌دهنده مسندالیه و مسند است و معنی کاملی ندارد و اگر معنای «وجود داشتن» داشته باشد، دیگر فعل ربطی نیست بلکه فعل مستقل است (مشکور ۱۳۵۵: ۲۴۳؛ احمدی گیوی و انوری ۱۳۸۷ [۱۳۶۷]: ۱۳-۱۴ و ۶۹-۷۰؛ شریعت ۱۳۶۷: ۱۱۴-۱۱۶). برخی از دستورنویسان مانند نوبهار (همان‌جا) معتقدند که گاهی عنصر چهارمی نیز به صورت مکمل به این سه رکن افزوده می‌شود که قید است و می‌توان آن را حذف کرد، اما در برخی موارد حذف این عنصر مفهوم جمله را به کلی دگرگون می‌کند. دو فعل ربطی «است» و «هست» هر دو رابطه را بیان می‌کنند، با این تفاوت که «هست» بر بیان رابطه تأکید می‌کند، در حالی که در فعل «است» تأکید بر روی مسند است (ناتل خانلری، ۱۳۸۶ [۱۳۵۱]: ۳۲۴؛ مشکور، ۱۳۵۵: ۲۴۸).

در برخی از دستورهای سنتی مانند اشعری (۱۳۷۳: ۴۹) تنها به صرف فعل «بودن» در زمان حال بسنده و به صورت صیغه‌های فعل «هست» صرف شده است.

۲-۱-۲ زبان‌شناسان

افعال زبان فارسی را می‌توان با توجه به متمم‌هایی که می‌گیرند به طبقات مختلف تقسیم کرد. در جمله‌هایی که یکی از چهار نوع گروه اسمی، صفتی، حرف اضافه‌ای یا قیدی، به همراه فعل فعلی را می‌سازند، فعل ربطی (رابط) وجود دارد. این چهار گروه، مسند یا

به اعتقاد برخی متمم نهاد نام دارند. فعل ربطی از لحاظ معنایی پیونددهنده نهاد (مسندالیه) و متمم نهاد (مسند) است که در صورت منفی بودن عدم پیوند را نشان می‌دهد. در جمله‌هایی که حرف اضافه مکانی باشد جمله مکانی خواهیم داشت و در صورتی که قید مکانی در جایگاه مسند قرار گیرد، فعل پس از آن دیگر فعل ربطی نیست بلکه بر مفهوم «وجود داشتن» دلالت می‌کند (مشکوٰۃ‌الدینی ۱۳۷۳: ۱۲۲-۱۲۵؛ همو ۱۳۸۴: ۱۷۳؛ غلامعلی‌زاده ۱۳۷۴: ۱۱۹؛ وحیدیان کامیار و عمرانی ۱۳۸۶: ۱۶). جمله‌هایی را که در آنها از فعل ربطی استفاده شده است جمله‌های اسنادی می‌گویند. در دستور زایشی مجموع مسند و فعل ربطی با هم فعل مرکزی جمله را تشکیل می‌دهد، اما بر پایه نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی، فعل ربطی، فعل مرکزی جمله در نظر گرفته می‌شود و ساخت ظرفیتی تمام افعال ربطی از یک فاعل و یک مسند تشکیل می‌شود (طیب‌زاده ۱۳۹۰: ۷۸-۷۹). فعل «بودن» امروزه در فارسی به سه صورت برای ساختن جمله ربطی به کار گرفته می‌شود: صورت واژه‌بست، کاربرد «هست» به اضافه شناسه، و به صورت «باش» به اضافه شناسه. گذشته فعل ربطی به صورت فعل «بودن» است. حضور فعل ربطی در جمله‌هایی که متمم اسمی، صفتی و قیدی دارند اجباری است. به طور کلی در زبان فارسی جمله ربطی بدون فعل ربطی آشکار وجود ندارد (ماهویتیان ۱۳۸۷ [۱۳۷۸]: ۵۰-۵۴). فعل «هست» را می‌توان به معنای «وجود داشتن» نیز به کار برد (همان: ۲۱۷). افعال «است»، «هست» و «می‌باشد»، هم ناقص‌اند زیرا متمم (مسند) می‌گیرند و هم تام‌اند چون نیاز به متمم دارند. در این صورت به معنی «وجود داشتن» خواهند بود (فرشیدورد ۱۳۸۴: ۴۱۷-۴۲۰). جمله‌های اسمی ای مانند «سیگار کشیدن ممنوع» همان جمله‌های اسنادی هستند که به علت کثرت استعمال یا وجود قرینه‌های خارجی و موقعیت گوینده، افعال ربطی آنها حذف شده است. در نمونه فوق می‌توان با اضافه کردن فعل ربطی «است» آن را به صورت «سیگار کشیدن ممنوع است» بازنویسی کرد (طیب‌زاده ۱۳۹۰: ۳۳۶؛ وحیدیان کامیار و عمرانی ۱۳۸۶: ۲۴-۲۵).

فعل «بودن» اصلی‌ترین جایگاه را در میان افعال ربطی داراست. این فعل هیچ محتوای معنایی‌ای جز پیونددهندگی ندارد و از لحاظ معنایی خنثی‌ترین فعل ربطی است. به علت

دستوری‌شدگی «همی/می» در زبان فارسی و حذف هم‌آیی این عنصر با فعل «بودن» در مقام یک فعل ایستا، فعل «بودن» معنای استمرار و تداوم را در ذات خود داراست. فعل «بودن» در نقش فعل اصلی نیز رفتاری شبیه به «بودن» ربطی دارد که فعلی تک‌ظرفیتی (فعل لازم) است و معنایی شبیه «وجود داشتن» دارد. در مقابل، فعل «بودن» ربطی یک فعل دو‌ظرفیتی است که موضوع بیرونی آن «مسند‌آلیه» نامیده می‌شود و موضوع درونی آن «مسند» است که البته هر دو فعل در برابر ساخت استمراری مقاومت می‌کنند. نقش سوم فعل «بودن» در جایگاه فعل کمکی در ساخت‌های حاشیه‌ای است (مفیدی ۱۳۹۰: ۵۹-۷۶).
فاضل (۱۳۹۲: ۲۸۴) جمله‌های اسنادی را یکی از نمودهای زبان فارسی و با همین نام می‌پندارد و نمونه‌های زیادی را از این ساخت در قالب شعر ارائه می‌کند تا نشان دهد در این زبان، از نظر او، در مقایسه با زبان‌های هندواروپایی دیگر، از بندهای فعلی اسنادی گوناگونی استفاده می‌شود.

۲-۲ محققان غیرایرانی

محققان غیرایرانی را می‌توان در دو گروه بررسی کرد؛ محققانی که جمله‌های اسنادی را در فارسی بررسی کرده‌اند و محققانی که به این‌گونه جمله‌ها در زبان انگلیسی یا زبان‌های دیگر پرداخته‌اند. نتایج بررسی‌های هر یک در دو بخش مجزا ارائه می‌شود.

۲-۲-۱ بررسی‌های محققان غیرایرانی دربارهٔ جمله‌های اسنادی در فارسی

در زبان فارسی افعال به سه نوع مختلف تقسیم می‌شوند. یکی از این انواع را افعال اسنادی یا ربطی نامیده‌اند که مفعول ندارند و در عوض یک متمم دارند که فاعل را توصیف یا تعریف می‌کند، مانند «برادرم آموزگار است» و «همکارم مریض شد». از آنجایی که دو کلمه «آموزگار» و «مریض» معنای فعل را تکمیل می‌کنند به آنها متمم می‌گویند. این متمم می‌تواند به صورت اسم یا صفت باشد (MACE 2003: 80). افرادی چون میس (MACE 2003) و ویندفور (Windfuhr 2009) فعل ربطی را در فارسی معادل فعل be در انگلیسی در نظر می‌گیرند. فعل ربطی دو صورت دارد: نخست صورت واژه‌بستی است که به کلمهٔ پیش از

فعل می‌چسبد و در محیط‌های آوایی متفاوت با تظاهرهای صوری متفاوت تجلی دارد. صورت واژه‌بستی در سوم‌شخص مفرد به صورت «است» ظاهر می‌شود. دومین شکل تظاهر فعل ربطی – که برخی آن را صورت مستقل و برخی صورت واژگانی نامیده‌اند – صورت «هست»، «است» و «باش» در زمان حال، و «بود» در زمان گذشته است. صورت «هست» را می‌توان به جای واژه‌بست هم به کار برد، مثلاً به جای «دانشجو» می‌توان از جمله «دانشجو هستم» استفاده کرد. صادقی و ارژنگ (۱۳۵۸) امکان‌های دیگری را برای کاربرد صورت «هست» به جای «است» بیان می‌کنند. به اعتقاد آنان هرگاه صورت‌های مستقل به صیغه‌های فعل «بودن» عطف شده باشد، مثل «او توانا بود و هست» و در زبان گفتار وقتی ضمیر «ش» فاعلی به سوم‌شخص فعل ملحق شده باشد، به عنوان مثال در «احمد در منزل هستش»، این جایگزینی رخ می‌دهد. امکان دیگری که به نظر آنان این صورت مستقل به جای صورت غیرمستقل قرار می‌گیرد زمانی است که کلمه قبل، یعنی مسند، به بعضی مصوت‌ها ختم شود، مانند «من دانشجو هستم». به نظر می‌رسد که در مورد برخی از مصوت‌ها هر دو صورت، یعنی صورت مستقل و صورت واژه‌بستی، به کار گرفته می‌شود. آنان جایگزینی عنوان‌شده را گاهی بدون دلیل خاصی می‌پندارند و این نکته را با مثال «آقا در منزل هستند؟» آقا در منزل‌اند» نشان می‌دهند. نکته اینجاست که این جمله یک جمله مکانی است؛ زیرا در این نمونه یک حرف اضافه مکانی وجود دارد. لازار (۱۳۸۹) [1957] نیز که فعل «هست» را صیغه مستقل «بودن» می‌پندارد، معتقد است که گاهی به عنوان فعل ربطی به کار می‌رود. علاوه بر این ویندفور (Windfuhr 1979) هم عنوان می‌کند که «هست» جایگزین فعل «بودن» در زمان حال است و گاهی به جای «هست» نمی‌توان از «است» استفاده کرد؛ بنابراین او با لازار موافق است که «هست» گاهی به عنوان فعل ربطی به کار می‌رود. این جمله‌ها مؤید این نکته است: حضور فعل ربطی یا اسنادی در زبان فارسی جز در مواردی الزامی است. بین «هست» و «است» در مواردی تفاوت وجود دارد. صیغه‌های مستقل «هست» علاوه بر فعل ربطی، بیانگر مفهوم «وجود داشتن» هستند. علاوه بر این، فعل «هست» بازنمایی کامل زمان حال فعل ایستای «بود» است. در بررسی‌های استیسن

(STASSEN 2005) که نتایج آن بر روی نقشه نشان داده شده است، فارسی جزو زبان‌هایی است که تظاهر صفر برای فعل ربطی در آن امکان‌پذیر نیست (-167: LAZARD 1389[1957]; STASSEN 2005: 488; MACE 2003: 94-99; Windfuhr 1979: 97-98, 2009: 484; 168; 2009: 560-580; Windfuhr 2009: 484).

۲-۲-۲ بررسی‌های محققان غیرایرانی درباره‌ی جمله‌های اسنادی در زبان‌های دیگر

گزاره‌ها در زبان‌ها بر دو نوع‌اند، گزاره‌های فعلی و گزاره‌های غیرفعلی. گزاره‌های غیرفعلی نیز خود سه نوع هستند: اسمی و صفتی و مکانی. در زبان انگلیسی هر سه نوع گزاره غیرفعلی - که یکی از انواع بندهای ساده در زبان انگلیسی هستند و برخی آنها را بندهای اسنادی می‌نامند - با فعل be و به طور یکسان رمزگذاری می‌شوند. معنای بندهای اسنادی یا همان گزاره‌های غیرفعلی توسط اسم یا گروه اسمی و صفت یا گروه صفتی بیان می‌شود. گزاره غیرفعلی با بند غیرفعلی، که در آن فعل وجود ندارد و در زبان انگلیسی غیر مجاز است، تفاوت دارد. در زبان انگلیسی فعل be علاوه بر نقش فعل ربطی در گزاره‌های غیرفعلی، نمود فعل و مجهول بودن آن را نیز نشان می‌دهد. این فعل هسته گروه فعلی را تشکیل می‌دهد که بار معنایی آن کاهش یافته است. در زبان انگلیسی حضور فعل ربطی در بندهای اسنادی و مکانی/وجودی اجباری است، اما در برخی از زبان‌ها مانند تاگالوگ، این عنصر فعلی تظاهر صفر دارد. برای تظاهر آشکار یا صفر فعل ربطی در زبان‌ها یک پیوستار وجود دارد که در یک انتهای آن زبان‌هایی هستند که تظاهر صفر برای فعل ربطی در آنها مجاز نیست و در انتهای دیگر آن زبان‌هایی را می‌یابیم که در آنها تظاهر صفر فعل ربطی در هر ساختی که اسم گزاره‌ای دارند، اجباری است. در بین این دو انتها زبان‌هایی را می‌یابیم که در آنها کاربرد فعل ربطی با تظاهر صفر محدود به شرایطی نظیر زمان فعل می‌شود (STASSEN 2005: 486-487). منظور از فعل ربطی، معادل فعل be انگلیسی است که در زبان‌ها به کار می‌رود. بر اساس آماری که استیسن (Ibid) ارائه می‌کند، تعداد زبان‌هایی که در آنها فعل ربطی تظاهر صفر ندارد بیشتر است. در برخی از زبان‌ها نیز تظاهر آن به صورت وند بر روی گزاره فعلی است که گاه عنصر دستوری می‌شود. در پاره‌ای از زبان‌ها فعل ربطی از

دستوری‌شدگی افعال دیگر یا حتی برخی عناصر غیرفعلی مانند ضمائر ساخته می‌شود. بنابراین رمزگذاری جمله‌های اسنادی یا به نظر برخی دیگر از زبان‌شناسان، انواع سه‌گانه گزاره‌های غیرفعلی در زبان‌های مختلف ممکن است به گونه‌های غیرمشابه رمزگذاری شوند (DRAYER؛ KROEGER 2005: 173-174؛ GIVÓN 2001: 119-122؛ QUIRK et.al. 1985: 129-130) 224-227: 2007. همان گونه که ذکر شد حضور فعل ربطی در بعضی از زبان‌ها اختیاری است. ممکن است حضور این عنصر فعلی در برخی از زبان‌ها در گزاره‌های غیرفعلی از نوع اسمی اجباری و در گزاره‌های غیرفعلی از نوع صفتی اختیاری یا برعکس باشد (DRAYER 2007: 236-238). نوع دیگر از گزاره‌های غیرفعلی همان جمله‌های مکانی/وجودی هستند که در برخی از زبان‌ها نظیر انگلیسی، از فعل ربطی مشابه در گزاره‌های اسمی و صفتی برای رمزگذاری آنها استفاده می‌شود. اما در برخی از زبان‌ها این گونه رمزگذاری صورت نمی‌گیرد (ibid: 238-239). استیسن (STASSEN 2005: 482-486) برای چگونگی رمزگذاری ساخت‌های اسنادی و مکانی به دو راهکار مشترک و گسسته اشاره می‌کند. این موضوع چارچوب نظری مقاله حاضر را تشکیل داده است؛ لذا از پرداختن به آن به طور مفصل پرهیز می‌شود.

۳. چارچوب نظری

استیسن در سال ۲۰۰۹ پژوهشی در مورد ساخت گزاره‌های ملکی انجام داد که حاصل آن به دست دادن رده‌های زبانی برای این ساخت در زبان‌های دنیا بود. یکی از نتایج به دست آمده حاکی از این است که رده‌های زبانی برای ساخت‌های مختلف نحوی با پارامترهای زبانی دیگر در ارتباط اند (برای مطالعه بیشتر رجوع شود به STASSEN 2009). وی پیش از آن نیز در سال ۲۰۰۵ در مورد راهکارهای متفاوت زبان‌ها برای رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی پژوهشی انجام داده و نتایج را در قالب نقشه‌های جغرافیایی به نمایش درآورده بود. قبل از این پژوهش نیز در سال ۱۹۹۷ در کتابی که در آن به افعال ناگذرا پرداخته، به این موضوع اشاره کرده بود. با این حال، یکی از پارامترهایی که او آن را با ساخت گزاره‌های ملکی مرتبط می‌داند پارامتر رمزگذاری جمله‌های اسنادی و جمله‌های مکانی/

وجودی است و منظور او جمله‌هایی هستند که افعال ناگذرای ربطی و مکانی دارند. مثال‌هایی که استیسن برای این‌گونه جمله‌ها در کتاب خود ارائه می‌دهد از این قبیل‌اند (مثال‌ها از ص ۲۶۵ برگرفته شده‌اند):

1. John is a tailor. (جان خیاط است)
2. John is in Paris. (جان در پاریس است)
3. There is music in the air. (در فضا موسیقی هست)

جمله (۱) نمونه‌ای از جمله‌هایی با فعل ربطی در انگلیسی است. جمله (۲) نمونه‌ای از جمله‌هایی است که فعل مکانی دارند. از طرفی، در زبان انگلیسی جمله‌های وجودی‌ای مثل (۳) وجود دارد که زیرگروهی از فعل‌های مکانی محسوب می‌شوند. ملاحظه می‌شود که در زبان انگلیسی فعل ربطی و افعال مکانی / وجودی صورت واژگانی مشابه دارند. استیسن با مطالعه‌ای که بر روی زبان‌های دیگر انجام داد متوجه شد که همه زبان‌ها برای رمزگذاری فعل در جمله‌های اسنادی و مکانی / وجودی از صورت واژگانی مشابه استفاده نمی‌کنند. به این معنی که ممکن است در یک زبان برای هر یک از جمله‌ها فعل‌های متفاوتی به کار رود. به همین دلیل، همان‌گونه که در بخش «پیشینه» عنوان شد، او دو راهکار مشترک و گسسته را ارائه کرد. بنابراین رابطه بین جمله‌های اسنادی و مکانی / وجودی را می‌توان با این پارامتر بیان کرد (Stassen 2009: 265؛ به نقل از Stassen 1997: 131-132). زبان‌ها از بین این دو راهکار یکی را انتخاب می‌کنند. البته ذکر این نکته ضروری است که گاهی در برخی زبان‌ها از هر دو راهکار برای رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی / وجودی استفاده می‌شود. در زبان‌هایی که پارامتر مشترک را برای رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی / وجودی به کار می‌برند صورت واژگانی یکسان برای فعل این‌گونه جمله‌ها به کار گرفته می‌شود و در زبان‌هایی که دارای پارامتر گسسته هستند فعل‌های متفاوتی برای رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی / وجودی به کار می‌رود. در مثال‌های مربوط به زبان انگلیسی، همچنان‌که ملاحظه شد، تنها از یک صورت واژگانی، یعنی be، به عنوان فعل برای جمله‌های اسنادی و مکانی / وجودی استفاده شده است. بنابراین زبان انگلیسی

نمونه‌ای از یک زبان مشترک است. به عکس، در زبان ژاپنی فعل ربطی و فعل‌های مکانی/ وجودی یکسان و مشابه نیستند (STASSEN 2009: 266). استیسن به این نکته مهم اشاره می‌کند که البته نمی‌توان زبان‌ها را بر اساس گسسته یا مشترک بودن آنها طبقه‌بندی کرد؛ زیرا همان گونه که اشاره شد، برخی زبان‌ها هر دو الگو را برای رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی/ وجودی به کار می‌گیرند (Ibid: 265-267).

به اعتقاد استیسن در هریک از پارامترهای فوق‌الذکر تنوعاتی را هم می‌توان ملاحظه کرد. اولین و متداول‌ترین نوع پارامتر گسسته، گسسته کامل^۱ (واژگانی) است. در این نوع که در زبان ژاپنی نمونه‌ای از آن ملاحظه شد، برای هریک از جمله‌های اسنادی و مکانی/ وجودی دو فعل متفاوت به کار گرفته می‌شود. نوع دیگر پارامتر گسسته گونه‌ای است که در آن رمزگذاری فعل مکانی/ وجودی با یک فعل واژگانی کامل و رمزگذاری جمله اسنادی با یک عنصر ربطی صفر انجام می‌پذیرد. این نوع را گسسته صفر^۲ می‌نامند. در سومین نوع رمزگذاری گسسته، زبان‌ها برای رمزگذاری جمله‌های مکانی/ وجودی از صورت واژگانی فعل و برای جمله‌های اسنادی از گزاره‌های اسمی استفاده می‌کنند که این گزاره‌های اسمی، از لحاظ ویژگی‌های ساختوازی، رفتار فعل‌گونه دارند. تعداد زبان‌هایی که این نوع راهکار گسسته را به کار می‌برند از دو نوع دیگر کمتر است. این نوع رمزگذاری را گسسته - فعلی^۳ می‌نامند (Ibid: 268-269). از لحاظ منطقی امکان حضور نوعی دیگر از پیکربندی^۴ و رمزگذاری گسسته وجود دارد که در آن فعل ربطی عنصر واژگانی کامل و فعل مکانی/ وجودی عنصر صفر است، لیکن زبانی که از این نوع راهکار استفاده کند عملاً وجود ندارد، زیرا رابطه‌ای در این میان وجود دارد؛ یعنی اگر افعال ربطی، عنصر صفر نباشند، فعل‌های مکانی نیز نمی‌توانند عنصر صفر باشند. به همین علت این نوع از گرایش‌های جهانی در زبان‌ها حذف شده است (STASSEN 2009: 268؛ پانوش ۴؛ نقل از STASSEN 1997: 64).

استیسن اشاره می‌کند که این تنوعات را در پارامتر مشترک نیز می‌توان یافت. اولین و

1. full-split
4. configuration

2. zero-split

3. verby-split

متداول‌ترین نوع این است که عنصر واژگانی مشابهی برای فعل ربطی و مکانی به کار رود. مانند زبان انگلیسی که به آن مشترک کامل^۱ (واژگانی) می‌گویند. نوع دوم و غیر متداول‌ترین نوع گونه‌ای است که در آن هم در فعل ربطی و هم در فعل مکانی/وجودی برای رمزگذاری عنصر صفر به کار رود، در این صورت این نوع را مشترک صفر^۲ می‌نامند. در نهایت وضعیتی است که در آن رمزگذاری به صورت مشترک - فعلی^۳ است؛ به این معنی که در این نوع از راهکار مشترک برای فعل‌های ربطی و مکانی/وجودی از گزاره اسمی استفاده می‌شود که این گزاره اسمی ویژگی‌های فعلی دارد. استیسن اشاره می‌کند که دو نوع اخیر رمزگذاری در بین زبان‌ها زیاد مرسوم نیستند (Ibid: 269-270).

استیسن (STASSEN 2005) در پژوهشی دیگر به تمام مطالب فوق اشاره کرده و برای انواع این راهکارها مثال‌هایی از زبان‌های دنیا به دست داده است. وی در این پژوهش، در قالب جدولی، نشان می‌دهد که دو نوع زبان وجود دارد: زبان‌های گسسته و زبان‌های مشترک. به نظر او تعداد زبان‌هایی که گسسته‌اند بیشتر است. استیسن در این پژوهش نیز به تنوع راهکارهای گسسته و مشترک اشاره می‌کند و این تنوع را با مثال‌هایی از زبان‌های دنیا، بر روی نقشه‌های جغرافیایی نشان می‌دهد. او اضافه می‌کند که طبقه‌بندی زبان‌ها به دو نوع مشترک و گسسته به سادگی طبقه‌بندی مذکور نیست. برخی از زبان‌ها از دو راهکار برای یک نوع بند استفاده می‌کنند؛ مثلاً در زبان تامیلی، از زبان‌های دراویدی در هند جنوبی، برای بندهای اسنادی از دو راهکار فعل ربطی و تظاهر صفر استفاده می‌شود و برای بند مکانی از یک راهکار، یعنی کاربرد فعل ربطی، استفاده می‌شود. علت انتخاب این راهکار دوگانه در این زبان، تفاوت‌های معنایی است؛ به این معنا که از هر یک از راهکارهای به کار گرفته شده برای رمزگذاری معنایی خاص استفاده می‌شود (Ibid: 482-483).

حال با توجه به تحلیل‌های استیسن (2005, 2009) می‌کوشیم تا با استفاده از داده‌های طبیعی زبان فارسی امروز، که از پایگاه داده‌های زبان فارسی برگرفته‌ایم، راهکار یا

1. full-share

2. zero-share

3. verby-share

راهکارهای اتخاذشده این زبان را برای رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی/وجودی بیازماییم و رده‌زبانی فارسی را تعیین کنیم.

۴. تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر چگونگی رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی/وجودی در فارسی امروز در چارچوب رویکرد نقشی - رده‌شناختی بررسی خواهد شد. از آنجایی که در پژوهش‌های رده‌شناختی اساس کار بر بهره‌گیری از پیکره‌زبانی است، در پژوهش حاضر نیز از پیکره‌زبانی استفاده شده است. در این رویکرد، معنی و نقش با صورت ارتباط دارند؛ بنابراین در این پژوهش نیز از صورت و معنا در تحلیل داده‌های طبیعی زبان بهره گرفته‌ایم. در گام نخست ابتدا مثال‌های مربوط به جمله‌های اسنادی با صورت‌های مختلف فعل «است» نشان داده شده‌اند. زیر افعال ربطی مورد نظر خط کشیده شده است:

۴. اسم من خداداد شیرگیر است. (سردادور ۱۳۴۷: ۳۴)
۵. عشق آنها آسمانی است. (حجازی ۱۳۴۸: ۳۸)
۶. بعد از نواختن طبل دوم ایاب و ذهاب در شهر به هر عنوان ممنوع است. (آرین‌پور ۱۳۸۹: ۴)
۷. مطبوعات آلمان برای نخستین بار اعتراف کردند که سقوط رایش سوم نزدیک است. (ر. ایران - تاریخی ۱-۱۳۸۰: ۲۱۹)
۸. آغاز حکمت از مشرق زمین است. (فروغی ۱۳۶۷: ۱)
۹. صدراعظم هم مرد بزرگ و باغیرتی است. (مراغه‌ای ۱۳۷۸: ۱۷)

در جمله‌های (۴) تا (۹) که جمله‌های اسنادی هستند، فعل ربطی به صورت «است» تظاهر یافته و نهاد سوم شخص مفرد است. افعال ربطی فوق صورت زمان حال فعل «بودن» و صورتی مستقل هستند. مسندها یکی از گروه‌های اسمی، صفتی، قیدی یا حرف اضافه‌ای‌اند. در جمله‌های اسنادی (۱۰) تا (۱۳) صورت‌های واژه‌بستی فعل ربطی به کار رفته است. در این جمله‌ها عناصر نهاد و مسند و فعل ربطی قابل تشخیص‌اند.

۱۰. این کاروانسرا و پل آن که هردو به «شاه‌عباسی» معروف‌اند در محمدآبادخره (به معنی لجنزار) واقع‌اند. (آل‌احمد ۱۳۳۷: ۹)
۱۱. گفتم منم آدم دولتم. (محمود ۱۳۵۷: ۲۴)
۱۲. باباجون شیکمت سیره. (همان: ۷۶)
۱۳. برویم چیزی بخوریم گرسنه‌ایم. (مراغه‌ای ۱۳۷۸: ص ۱۷)

مصدر فعل «بودن» صورت گذشته فعل ربطی «است» است و در نمونه‌های (۱۴) تا (۱۶) مشاهده می‌شود.

۱۴. ماه محرم برای بچه‌های پارک امین‌الدوله ماه خوبی بود. (امیرشاهی ۱۳۴۸: ۳۲)
۱۵. مادر بره‌ها هم جمیل و زیبا بود، برای همین بهش می‌گفتند گزل. (دولت‌آبادی ۱۳۶۷: ۲)
۱۶. نان دیشبمان سر سفره، حسابی یک تکه چرم بود. (آل‌احمد ۱۳۵۶: ۱۶۹)

صورت دیگر فعل ربطی «بودن» صیغه‌های مستقل «هست» است. این صورت‌ها به‌عنوان فعل ربطی در جمله‌های اسنادی و به‌جای صورت‌های واژه‌بستی و غیر مستقل به‌کار می‌روند. جمله‌های ۱۷ تا ۲۵ نمونه‌های کاربرد این صورت از فعل «بودن» را نشان می‌دهند. در جمله‌های اسنادی هرگاه تأکید در جمله مورد نظر باشد، خواه تأکید بر روی مسند (صادقی و ارژنگ ۱۳۵۸: ۷۷) خواه بر روی فعل (MACE 2003) باشد، از صورت مستقل «هست» به‌جای صورت «است» و صورت واژه‌بستی فعل ربطی استفاده می‌شود، مانند نمونه‌های (۲۳) تا (۲۵). یکی دیگر از شرایط جایگزینی صورت «هست» به‌جای «است» در صیغه‌های دیگر غیر از سوم‌شخص مفرد در زمان حال است. در نمونه‌هایی نظیر (۱۷) تا (۲۲) فعل «است» صرف شده و صیغه‌های صورت واژگانی «هست» به‌جای «است» به‌کار رفته‌اند.

۱۷. حرفی نیست که مردم اصفهان باهوش و کاری هستند. (جمالزاده ۱۳۸۱: ۷)
۱۸. تو پاک‌تر و خوب‌تر از گل‌ها هستی. (صادقی ۱۳۴۰: ۷۲)
۱۹. مردمی که همیشه از آنجا می‌گذرند مشتری‌های خوبی برای این‌گونه دکان‌ها هستند. (آل‌احمد ۱۳۲۴: ۹۴)
۲۰. مثلاً خود من نان‌آور پنج سر عائله هستم. (ایرانی ۱۳۵۱: ۱۹)

۲۱. وقتی پرسیدم حنفی هستید یا مالکی یا چه چیز دیگر اول در ماندند.

(آل احمد ۱۳۵۶: ۴۸)

۲۲. ما شرقی هستیم.

(شریعتی ۱۳۶۹: ۱۱۶)

۲۳. حالا اگر نوه حضرت والا هم هست، باشد.

(گلشیری ۱۳۴۷: ۷۴)

۲۴. همان پاگرد ماندی که در عین حال مهتابی عمارت هم هست.

(آل احمد ۱۳۵۶: ۱۴)

۲۵. ولی ننجون دایه او هم هست، دایه هر دومان است.

(هدایت ۱۳۵۱: ۴۱)

در زبان فارسی برای رمزگذاری جمله‌های مکانی از صورت‌های متفاوت فعل ربطی «بودن» استفاده می‌شود. در جمله‌های (۲۶) تا (۳۷) صورت‌های «هست» و «است» و «بود» در جمله‌های مکانی فارسی به کار رفته‌اند. در این جمله‌ها حروف اضافه مکانی‌ای چون «در»، «کنار»، «روی»، «توی»، «پیش»، «بر»، «بالای» به کار گرفته شده‌اند. در جمله‌های (۲۷) و (۳۷) حرف اضافه مکانی «در» محذوف است.

۲۶. در این نقطه که ما هستیم آب صاف و پاک به شیرینی شربت و صفای بلور در قطر نیم

ذرع به سقایت ده سردار آباد و مزارع و باغات او جاری است.

(طالبوف ۱۳۵۶: ۲۳)

۲۷. صندوق جزوهای قرآن آن بالا بود، آنجا که رحل هم بود.

(گلشیری ۱۳۴۷: ۲۹)

۲۸. اتاق مش رحیم کنار اتاق پدرم است.

(محمود ۱۳۵۷: ۳۱)

۲۹. آرامگاه او در محله طوقچی است.

(جمالزاده ۱۳۸۱: ۱۸)

۳۰. هودی متوجه کلاه دیگر باباعلی می‌شود که روی طاقچه است.

(ساعدی ۱۳۴۹: ۱۳)

۳۱. باغچه خانه‌هایشان توی گلدان‌های حلبی است.

(آل احمد ۱۳۵۶: ۱۵۲)

۳۲. آقا راستش را بخواهی نصفش پیش من است.

(بهرنگی ۱۳۴۹: ۴۴)

۳۳. مسجد فتح بر یک بلندی است.

(آل احمد ۱۳۴۹: ۷۲)

۳۴. آسیای این مرد در پای کوهی بود.

(بهرنگی ۱۳۴۹: ۱۷)

۳۵. خاله دختر هم پیش آنها بود.

(همان: ۴۸)

۳۶. صندلی پدر بزرگ بالای شاه‌نشین بود.

(گلشیری ۱۳۴۷: ۱۰)

۳۷. من اینجا هستم، اینجا.

(ابراهیمی ۱۳۴۵: ۴۲)

لازم است یادآوری شود که صورت‌های واژه‌بستی فعل ربطی هم در این‌گونه جمله‌ها می‌توانند به کار گرفته شوند. مثلاً در جمله (۲۹) که مجدداً با شماره ۳۸ تکرار شده، با

تبدیل مثال (الف) به (ب) جمله نادرستی حاصل نخواهد شد و تنها به نظر می‌رسد که جمله به گونه محاوره‌ای تبدیل شده است.

۳۸- الف: آرامگاه او در محله طوقچی است.

ب: آرامگاه او در محله طوقچیه.

در نمونه‌های (۳۹) تا (۴۲) صیغه‌های فعل ربطی «هست» و «بود» به معنای «وجود داشتن» برای رمزگذاری جمله‌های وجودی به کار گرفته شده‌اند. همان طور که در بخش چارچوب نظری گفته شد، جمله‌های وجودی زیرگروهی از جمله‌های مکانی هستند.

۳۹. اما چیزهایی هست که هرچه هم که نخواهی ببینی شان باز می‌آیند.

(گلستان ۱۳۴۸: ۱۲۳)

۴۰. ولی به طور کلی کسانی هستند که چه در خانه و چه در سفر جای خودشان را خوب

درست می‌کنند اگر چه یک وجب هم باشد. (هدایت ۱۳۴۴: ۴۸)

۴۱. اما اکنون چند نکته هست که ناگزیرم بنویسم. (صادقی ۱۳۴۰: ۴۷)

۴۲. اینجا یک اتاق بزرگ بود که نزدیک پنجاه صندلی دور آن به ترتیب چیده شده بود.

(آل احمد ۱۳۲۴: ۱۵۹)

همان گونه که ملاحظه شد فعل ربطی برای رمزگذاری جمله‌های وجودی به کار می‌رود، اما بررسی داده‌های پیکره زبانی در فارسی نشان می‌دهد که برای رمزگذاری مفهوم «وجود داشتن»، در این زبان از فعل مرکب «وجود داشتن» نیز استفاده می‌شود. علاوه بر این، نمونه‌ای در داده‌های زبان فارسی مشاهده شد که در آن گزاره «موجود است» برای مفهوم «وجود داشتن» به کار گرفته شده است. جمله‌های زیر این موضوع را تأیید می‌کند:

۴۳. از لحظه‌ای که روش نو و بدیعی به وجود می‌آید تا زمانی که اکثریت افراد آن را بپذیرند و

اجرا کنند، یک فاصله بلند زمانی وجود دارد. (زاهدی ۱۳۷۶: ۲۶)

۴۴. آن چیزی که به نام ستیز بین انسان‌ها وجود دارد، آن را ما سرایتش بدهیم و تعمیمش

بدهیم به دنیای خارج و بگوئیم که اشیاء خارجی نیز با یکدیگر نزاع می‌کنند.

(سروش ۱۳۵۷: ۷)

۴۵. نوشیدنی‌های سرد موجود است.

(ابراهیمی ۱۳۴۵: ۶۱)

استیسن (2005: STASSEN) در پژوهشی که درباره تظاهر صفر فعل ربطی در زبان‌ها انجام داده است، زبان فارسی را بر روی نقشه جزو زبان‌هایی قرار می‌دهد که در آن تظاهر صفر فعل ربطی مجاز نیست. با حذف فعل ربطی در جمله‌های بالا و تبدیل آنها به جملات نادرستی این موضوع تأیید می‌شود. به‌عنوان نمونه فعل ربطی جمله (۵) را که مجدداً با شماره (۴۶) تکرار شده است، حذف می‌کنیم.

۴۶- الف: عشق آنها آسمانی است.

ب: *عشق آنها آسمانی.

جمله دستوری (۴۶ الف) با حذف فعل ربطی به جمله نادرستی (۴۶ ب) تبدیل شده است. حذف فعل در جمله‌های مکانی و وجودی هم مجاز نخواهد بود. البته همان گونه که در بخش «پیشینه» طرح شد، برخی محققان حذف فعل ربطی را در فارسی در شرایطی مجاز می‌دانند؛ مانند «سیگار کشیدن ممنوع!» که به اعتقاد برخی از دستورنویسان این جمله‌ها جمله‌های اسمی محسوب می‌شوند و همان جمله‌های اسنادی هستند که به علت کثرت استعمال یا وجود قرینه‌های خارجی و موقعیت گوینده، افعال ربطی آنها حذف شده است. در نمونه فوق می‌توان با اضافه کردن فعل ربطی «است»، آن را به صورت «سیگار کشیدن ممنوع است» بازنویسی کرد (طیب‌زاده ۱۳۹۰: ۳۳۶؛ وحیدیان کامیار و عمرانی ۱۳۸۶: ۲۴-۲۵).

۵. نتیجه‌گیری

همان گونه که از بررسی داده‌های طبیعی زبان فارسی برمی‌آید، در این زبان برای رمزگذاری جمله‌های اسنادی از صورت‌های آزاد و وابسته فعل ربطی «است» و گذشته آن، یعنی «بود» استفاده می‌شود. از سوی دیگر، صیغه‌های فعل «هست» که در شرایطی به‌عنوان فعل ربطی در جمله‌های اسنادی به کار می‌روند، در بین نمونه‌های داده‌های زبانی مشاهده می‌شوند. در جمله‌های مکانی صورت‌های مختلف فعل ربطی «است» و «بود» و در همان شرایط مشابه از صورت واژه‌بستی استفاده می‌شود، اما در جمله‌های وجودی که زیرگروه جمله‌های مکانی هستند، علاوه بر افعال ربطی، فعل مرکب «وجود داشتن» و گزاره

«موجود است» نیز مشاهده می‌شود. از این نکات می‌توان نتیجه گرفت که در زبان فارسی امروز هر دو الگوی رمزگذاری برای جمله‌های اسنادی و مکانی/وجودی، یعنی الگوهای مشترک و گسسته، به کار گرفته می‌شود؛ زیرا از یک سو برای جمله‌های اسنادی و مکانی/وجودی از فعل مشابه استفاده می‌شود که این ویژگی زبان‌های مشترک است و از سویی دیگر، جمله‌های وجودی، علاوه بر فعل ربطی، توسط فعل دیگری هم که با فعل ربطی متفاوت است رمزگذاری می‌شوند که این مشخصه زبان‌های گسسته است. پس در فارسی امروز برای رمزگذاری جمله‌های اسنادی و مکانی از راهکار مشترک و در رمزگذاری جمله‌های وجودی از دو راهکار مشترک و گسسته استفاده می‌شود. بنابراین زبان فارسی را از این لحاظ نمی‌توان یک زبان مشترک یا گسسته در نظر گرفت. پیش‌تر نیز اشاره شد که به نظر استیسن نمی‌توان زبان‌ها را بر اساس گسسته یا مشترک بودن آنها طبقه‌بندی کرد؛ زیرا برخی زبان‌ها هر دو راهکار را برای رمزگذاری جمله‌های مذکور به کار می‌گیرند. از بررسی داده‌ها این نتیجه هم حاصل شد که حذف فعل اسنادی در فارسی مجاز نیست؛ بنابراین، در این زبان از گونه کامل یا واژگانی راهکارهای مشترک و گسسته استفاده می‌شود و گونه صفر در این زبان وجود ندارد.

منابع

- آرین‌پور، شاپور (۱۳۸۹)، ده مرد رشید، دنیای کتاب، تهران؛
آل احمد، جلال (۱۳۲۴)، دید و بازدید، امیرکبیر، تهران؛
_____ (۱۳۵۶)، خسی در میقات، رواق، تهران؛
ابراهیمی، نادر (۱۳۴۵)، بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم، ایران‌کتاب، تهران؛
اشعری، محمد (۱۳۷۳)، آموزش زبان فارسی به فارسی، نشر منیر، تهران؛
امیرشاهی، مهشید (۱۳۴۸)، بعد از روز آخر، امیرکبیر، تهران؛
انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی (۱)، ویرایش سوم، فاطمی، تهران؛
_____ (۱۳۸۷)، دستور زبان فارسی (۲)، ویرایش چهارم، فاطمی، تهران؛
ایرانی، ناصر (۱۳۵۱)، ماهی تازه در تابه، آگاه، تهران؛

- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
بهرنگی، صمد (۱۳۴۹)، تلخون، امیرکبیر، تهران؛
جمالزاده، محمدعلی (۱۳۸۱)، اصفهان نصف جهان (سر و ته یک کرباس)، به کوشش علی دهباشی،
سخن، تهران؛
حاکمی، اسماعیل (۱۳۳۹)، دستور زبان فارسی برای دبیرستان‌ها، ج ۱ و ۲، شرکت سهامی کتاب، تهران؛
حجازی، محمد (۱۳۴۸)، پریچهر، ابن‌سینا، تهران؛
دولت‌آبادی، محمود (۱۳۶۷)، آهوی بخت من گزل، چشمه، تهران؛
راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸)، گفتارهایی در نحو، نشر مرکز، تهران؛
روایی، محمد (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، نیلوفر، تهران؛
روزنامه ایران - تاریخی ۱-۱۳۸۰: ۲۱۹؛
زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۶)، تجزیه، تحلیل و طراحی سیستم‌ها، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران؛
ساعدی، غلامحسین (۱۳۴۹)، بهترین بابای دنیا، نیل، تهران؛
سردادور، حمزه (۱۳۴۷)، از صید ماهی تا پادشاهی، ابن‌سینا، تهران؛
سروش، عبدالکریم (۱۳۵۷)، بررسی تاریخی یک پدیده، حکمت، تهران؛
شریعت، محمدجواد (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی، ج ۳، اساطیر، تهران؛
شریعتی، علی (۱۳۶۹)، ما و اقبال، ج ۴، الهام، تهران؛
شفائی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، نوین، تهران؛
صادقی، بهرام (۱۳۴۰)، ملکوت، زمان، تهران؛
صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارژنگ (۱۳۵۸)، دستور سال سوم آموزش متوسطه عمومی فرهنگ و ادب،
چاپخانه جلالی، تهران؛
طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۶)، مسالک‌المحسنین، شبگیر، تهران؛
طیب‌زاده، امید (۱۳۹۰)، دستور زبان فارسی بر اساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی، نشر
مرکز، تهران؛
عاصی، مصطفی (۱۳۸۴)، ایجاد پایگاه بزرگ داده‌های زبان فارسی در اینترنت: <<http://pldb.ihcs.ac.ir>>؛
غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴)، ساخت زبان فارسی، احیاء، تهران؛
فاضل، نوید (۱۳۹۲)، دستور زبان پارسی، آگه، تهران؛
فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴)، دستور مفصل امروز، سخن، تهران؛
فروغی، محمدعلی (۱۳۶۷)، سیر حکمت در اروپا، ج ۲، زوار، تهران؛

- قریب، عبدالعظیم و همکاران (۱۳۸۵)، دستور زبان فارسی (بنج استاد)، ناهید، تهران؛ گلستان، ابراهیم (۱۳۴۸)، آذر، ماه آخر پاییز، چاپ میهن، تهران؛ گلشیری، هوشنگ (۱۳۴۷)، شازده احتجاب، کاویان، تهران؛ لازار، ژیلبر (۱۳۸۹ [1957])، دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، هرمس، تهران؛ ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸)، دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمائی، نشر مرکز، تهران؛ محمود، احمد (۱۳۵۷)، همسایه‌ها، امیرکبیر، تهران؛ مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۳۷۸)، سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ، محور، تهران؛ مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۳)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد؛ _____ (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران؛ مشکور، محمدجواد (۱۳۵۵)، دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی، ج ۷، مؤسسه مطبوعاتی شرق، تهران؛ مفیدی، روح‌الله (۱۳۹۰)، «بودن و داشتن: دو فعل ایستای فارسی»، دستور، ج ۷، صص ۵۸-۸۹؛ ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی، ج ۲۱، توس، تهران؛ نوبهار، مهرانگیز (۱۳۷۲)، دستور کاربردی زبان فارسی، ج ۱، رهنما، تهران؛ وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی (۱)، ج ۹، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران؛ هدایت، صادق (۱۳۴۴)، پروین دختر ساسان، امیرکبیر، تهران؛ _____ (۱۳۵۱)، بوف کور، چاپخانه سپهر، تهران؛ همایون، همادخت (۱۳۷۹)، واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران؛ DRYER, M. S. (2007), "Clause types", *Language Typology and Syntactic Description*, vol. 1: Clause Structure, Edited by: T. Shopen, 2nd edition, Cambridge: Cambridge University Press: 224-275; GIVÓN, T. (2001), *Syntax*. 2Vols. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins; HUDDLESTON, R. and G. k. PULLUM (2002), *The Cambridge Grammar of the English Language*, Cambridge: Cambridge University Press; KROEGER, P.R. (2005), *Analyzing Grammar: An Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press; LAMBTON, Ann K.S. (1984[1953]), *Persian Grammar*, Cambridge: Cambridge University Press; LAZARD, G. (1957), *Grammaire du Persan Contemporain*, Paris: Klincksieck; MACE, J. (2003), *Persian Grammar*, Routledge Curzon;

- Quirk, R et.al. (1985), *A Comprehensive Grammar of English Language*, London: Longman;
- STASSEN, L. (1997), *Intransitive predication*, Oxford: Oxford University Press;
- (2005), “Nominal and Locational Predication”, *The World Atlas of Language Structures*, Edited by: M. Haspelmath, M.S. Dryer, D.Gil and B. Comrie, Oxford: Oxford University Press: 482-485;
- (2005), “Zero Copula for Predicate Nominals” *The World Atlas of Language Structures*.. Edited by: M. Haspelmath and M.S. Drayer and D.Gil and B. Comrie, Oxford: Oxford University Press: 486-489;
- (2009), *Predicative possession*, Oxford: Oxford University Press;
- WINDFUHR, G.L. (1979), *Persian Grammar: History and State of Study, Trends in Linguistics, State-of-the Art Report 12*, The Hague: Mouton Publisher.
- (2009), *Iranian Languages*, Routledge: London and New York.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی